

بررسی آثار خصوصی سازی صنعت بیمه بر اقتصاد ایران

دکتر مصطفی سلیمی فر^(۱)

اکبر باقری گیگل^(۲)

چکیده

هدف این مقاله، بررسی آثار خصوصی سازی صنعت بیمه بر اقتصاد ایران، با تکیه بر مبانی نظری، عملکرد صنعت بیمه (قبل و بعد از انقلاب)، تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی آماری شاخص‌های کارایی صنعت بیمه طی سال‌های دوره ۱۳۴۳ - ۱۳۷۹ است. در این مقاله در ابتدا، تعاریف، هدف‌ها، روش‌های خصوصی سازی، ضرورت خصوصی سازی صنعت بیمه (با توجه به نقش نظارتی بیمه مرکزی ایران) و تجربه برخی از کشورها در زمینه خصوصی سازی بیمه را بررسی کرده‌ایم. سپس، اطلاعات حاصل از پرسشنامه (بر مبنای مقیاس لیکرت) تجزیه و تحلیل و شاخص‌های کارایی صنعت بیمه (نسبت حق بیمه به GDP واقعی، میانگین رشد حق بیمه واقعی سرانه و میانگین ضریب خسارت پرداختی واقعی)، به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹، محاسبه شده که در نتیجه، خصوصی سازی صنعت بیمه، راهکاری مؤثر برای افزایش کارایی این صنعت از نظر افزایش سرمایه گذاری و اشتغال معرفی شده است. در بخش پایانی مقاله نیز، راهکار پیشنهادی محقق (مدل ۳ مرحله‌ای)، برای خصوصی سازی صنعت بیمه در ایران ارائه گردیده است.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. کارشناس ارشد علوم اقتصادی.

واژگان کلیدی

خصوصی سازی، آزاد سازی، کالاها و خدمات خصوصی و عمومی، شاخص‌های کارایی صنعت بیمه.

مقدمه

در حال حاضر بخش‌های مختلف اقتصادی کشور تحت سیطره بخش عمومی (دولت) قرار دارند و در حالی که به اعتقاد اقتصاددانان بزرگ جهان، حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی در صورتی توجیه‌پذیر است که اولاً، بخش خصوصی در آن فعالیت‌ها ناتوان باشد و یا انگیزه لازم را برای حضور در آن فعالیت‌ها نداشته باشد. ثانیاً، حضور دولت در آن فعالیت‌ها علاوه بر منظور انتفاعی، از جنبه نیاز و منافع ملی و عمومی کشور توجیه‌پذیر باشد^(۱).

از طرف دیگر، با توجه به اینکه رشد صنعت بیمه در هر کشور بیانگر توسعه یافتگی آن کشور و افزایش پس اندازهای ملی (ناشی از حق بیمه‌های دریافتی) است لذا، افزایش رقابت که در نتیجه خصوصی سازی این صنعت مهم، ایجاد می‌شود می‌تواند به تنوع و توسعه خدمات و فعالیت‌های بیمه‌ای، افزایش شاخص‌های کارایی صنعت بیمه، تعدیل مقررات مانع خصوصی سازی، تقویت اصل پاسخ دادن در مقابل عملکرد، افزایش تخصص و بهره‌وری نیروی کار، شفافیت اطلاعات و غیره منجر شود. البته، این مقوله وقتی اهمیت و ضرورت بیشتری نشان می‌دهد که دراییم، صنعت بیمه در هر کشور با تولید حق بیمه‌های بالا می‌تواند به عنوان مهم‌ترین عامل شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی رشد ملی و اقتصادی را نیز به همراه داشته باشد.

تعاریف خصوصی سازی، اهداف و روش‌های آن

امروزه در ادبیات اقتصادی بحث خصوصی سازی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و اقتصاددانان تعاریف گوناگونی از آن ارائه داده‌اند. از بین این تعاریف مختلف، تنها به چند نمونه که دارای نکات مهمی هستند، اشاره می‌کنیم.

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، خصوصی سازی، شماره ۱۶، تهران،

بیسرلی ولیتل چایلد^(۱) بیان می دارند که خصوصی سازی وسیله ای برای بهبود عملکرد فعالیتهای اقتصادی (صنایع) از طریق افزایش نقش نیروهای بازار است، در صورتیکه حداقل ۵۰ درصد سهام دولتی به بخش خصوصی واگذار گردد^(۲).

ولجانوسکی^(۳) خصوصی سازی را به معنای انجام فعالیت های اقتصادی توسط بخش خصوصی یا انتقال مالکیت داراییها به بخش خصوصی می داند.

شوارتز^(۴)، خصوصی سازی را برای کشورهای با اقتصاد متمرکز بسیار فراتر از انتقال مالکیت و تعدیل در مقررات می داند و می گوید «معنای خصوصی سازی به وجود آوردن نظام اقتصادی جدید براساس بازار و در نتیجه، دگرگونی و تحول در ابعاد مختلف اقتصادی می باشد».

بس^(۵)، خصوصی سازی را نشانه تعالی تفکر سرمایه داری و اعتماد به کارایی بازار در مقابل عدم اطمینان به کارایی بخش عمومی بیان می کند.

فرانک لیوسی^(۶)، تعریف نسبتاً جامعی از خصوصی سازی ارائه می دهد او بیان می دارد^(۷) «خصوصی سازی به انتقال منابع و فعالیت های اقتصادی از بخش عمومی به بخش خصوصی به عنوان یک سیاست دولتی اشاره دارد».

تعریف آلن گریفیسیس و استوارت وال^(۸) تعاریف مذکور را تا حد زیادی در بر می گیرد، آنان بیان می دارند^(۹): خصوصی سازی عبارت است از واگذاری و انتقال قسمتی از دارایی ها، سهام، مدیریت، امور خدماتی، فعالیت ها و مسئولیت های یک شرکت یا سازمان دولتی به بخش خصوصی. بنابر تعریف فوق، مفهوم خصوصی سازی در واقع کوچک کردن نقش دولت در اقتصاد و حرکت (گرایش) به سوی اقتصاد بازار

1. Beesly and Little Child.

۲. دقیقی اصلی، علیرضا؛ فصلنامه صنعت بیمه، ش ۵۹، پاییز ۷۹، صص ۷ تا ۵۷ با تلخیص.

3. Veljanovski.

4. Schwartz.

5. Bos.

6. Frank Livesey.

۷. همان منبع.

8. Alan Griffit & Stuart Wall.

۹. همان منبع.

است. به بیان دیگر «واجد شرایط بازار کردن»^(۱) و باز نمودن درهای یک مؤسسه اقتصادی عمومی به روی نیروهای بازار با توجه به داده‌ها و ستادها می‌باشد.

فرایند واجد شرایط بازار کردن به مقدار قابل ملاحظه‌ای تابع سیاست‌های کلی دولت در زمینه آزادسازی و مقررات زدایی^(۲) می‌باشد.

به طور اجمال، اهداف خصوصی سازی عبارت از اهداف اولیه و ثانویه می‌باشد. اهداف اولیه عبارت از: کاهش اندازه (حوزه فعالیت) بخش دولتی از طریق مالکیت و کنترل اقتصادی، افزایش کارایی عملیات مؤسسات اقتصادی، کاهش کسر بودجه و بدهی‌های ملی و در نهایت افزایش رقابت می‌باشند.

اهداف ثانویه عبارت از: گسترش بازار سرمایه (تشویق مالکیت گسترده سهام)، تعدیل مقررات (مقررات زدایی)، ایجاد دلبستگی و علاقه در شاغلین شرکت‌ها، تامین منابع مصرف کنندگان، توزیع مناسب درآمدها و در نهایت تعدیل یارانه‌های و اختلال قیمت‌ها می‌باشند.

روشهای گوناگونی برای خصوصی سازی وجود دارند: خصوصی کردن شرکتهای دولتی در هر کشور و در چارچوب ویژگیهای فرهنگی و اهداف آن کشور مسیر ویژه خود را طی می‌نماید. حتی در داخل یک کشور نیز روشهای مورد استفاده در مورد هر شرکت دولتی با توجه به ویژگیهای آن شرکت در مقایسه با سایر شرکت‌ها متفاوت می‌باشد.

معمولاً، متداولترین روشهای مورد استفاده در برنامه خصوصی کردن واحدهای دولتی به شرح زیر طبقه‌بندی می‌گردد^(۳):

۱. عرضه سهام واحدهای دولتی به عموم مردم
۲. عرضه سهام واحدهای دولتی به صورت کلی به بخش خصوصی
۳. فروش دارائیهای واحدهای دولتی به بخش خصوصی
۴. تجدید سازمان و تفکیک واحدهای دولتی به منظور خصوصی کردن
۵. سرمایه‌گذاری جدید بخش خصوصی در واحدهای دولتی
۶. فروش واحدهای دولتی به مدیریت و کارکنان آن واحدها

1. Marketisation.

2. Deregulation.

۳. مجموعه پژوهشهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۶، خصوصی سازی، صص

۷. واگذاری واحدهای دولتی در چارچوب قرار دادهای مدیریتی و اجاره توسط بخش خصوصی

۸. سیستم ووچر (کوپن یا برگه‌های خرید)^(۱)
 بدیهی است که استفاده از هر یک از روشهای فوق آثار خاص مربوط به خود را دارد. در روش اول، دولت تمام یا قسمت قابل ملاحظه‌ای از سهام خود را به عموم می‌فروشد تا در نهایت یک شرکت سهامی به وجود آید. این روش، در مواردی که شرکت‌ها از صورت‌ها و نسبت‌های مالی مطلوب برخوردار باشند، در کنار وجود یک بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار) کار آمد و پیشرفته مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهمترین مزیت این روش، گسترش مالکیت سهام و فعال‌تر نمودن بازارهای مالی است.

در روش دوم دولت تمام یا قسمتی از سهام متعلق به خود را به شخص یا گروه از قبل تعیین شده‌ای از بخش خصوصی می‌فروشد. در این شیوه خصوصی‌سازی به دو صورت کلی و یا جزئی می‌تواند صورت پذیرد، در مورد عرضه جزئی سهام بخش دولتی، در نهایت شرکت‌های مختلط دولتی و خصوصی حاصل خواهد شد.

در روش سوم، سهامی عرضه نمی‌شود بلکه موضوع فعالیت فروش دارایی‌ها است، به طوری که دولت می‌تواند دارایی شرکت مورد نظر را به صورت مستقیم بفروش برساند. در این حالت دارایی فروخته شده از شرکت جدا می‌شود. در این روش، فروش دارایی‌ها می‌تواند از طریق مزایده رقابتی، یا از طریق مذاکره مستقیم با فرد یا گروهی خاص صورت پذیرد. نکته مهم در این روش، احتمال باقی ماندن بدهی‌های، شرکت‌ها پس از فروش داراییها برای دولت است.

در روش چهارم، شرکت مورد بحث به چند قسمت تفکیک می‌شود و قطعات جدا شده با هویتی مستقل در معرض فروش قرار می‌گیرد. این روش، در حقیقت تجدید ساختار شرکت‌های دولتی، قبل از خصوصی کردن است.

در روش پنجم، دولت در حقیقت مالکیت سهام خود را از دست نمی‌دهد و صرفاً مالکیت دولت در شرکت به تدریج کمتر می‌شود. در این روش یک شرکت مختلط دولتی - خصوصی تشکیل می‌شود. لذا، در صورتی که هدف دولت‌ها حفظ سهام خود باشد این روش بسیار مناسب است.

در روش ششم، غالباً شرکتی برای خرید واحد اولیه به وجود می‌آید و مدیریت و کارکنان واحد اولیه سهام این شرکت جدید را می‌خرند، شرکت جدید واحد دولتی را می‌خرد و شرکت دولتی در عمل به خصوصی تبدیل می‌شود. این روش در کشورهای چون فرانسه، کانادا، ایتالیا و شیلی مورد استفاده قرار گرفته است. منظور از این روش، کنترل سهام شرکت به وسیله گروه کوچکی از مدیران و کارکنان شرکت است. در این حالت دارایی‌های شرکت به عنوان تضمین در راستای پرداخت ارزش سهام تلقی می‌گردد.

روش هفتم، معمولاً به عنوان حرکت اولیه در جهت خصوصی کردن کامل تلقی شده و بدین لحاظ اقدامی موقتی در جهت دستیابی شرکت به سطح مطلوب سودآوری و کارایی محسوب می‌شود.

در روش هشتم، دولت کپن ویژه‌ای را که مانند اوراق بهادار ارزش معینی دارد، جهت تهیه کالا یا خدمت معینی در اختیار افراد نیازمند قرار می‌دهد و فرد آزاد است تا از عرضه کنندگان بخش خصوصی، کالا و یا خدمات مورد نظر را تهیه نماید. این روش در سال ۱۹۹۱ میلادی، در چکسلواکی (به عنوان اولین حرکت به سوی خصوصی سازی در آن کشور) انجام شد.

اهمیت صنعت بیمه و ضرورت خصوصی سازی آن در ایران

امروزه صنعت بیمه یکی از ضروری‌ترین بخش‌های اقتصادی هر کشوری است که وظایف و کارکردهای مهمی را بر عهده دارد. در کشور ما نیز بیمه یکی از مهمترین عوامل حفظ و تضمین سرمایه است. این صنعت مهم از طرف دیگر، با ارائه خدمات مناسب خود موجبات رفاه بیشتر افراد را در جامعه فراهم می‌سازد.

صنعت بیمه در تجارت خارجی کشورها (از جمله ایران) نیز نقش ارزنده‌ای را ایفا می‌کند به طوری که، بسیاری از مخاطرات را پوشش داده و صاحبان کالا و خدمات را از تجارت مطمئن بهره‌مند می‌نماید. به طور مثال بیمه عمومی صادرات که برای جبران خسارت ناشی از خطرات سیاسی و تجاری در معاملات طرح ریزی شده در حفظ منافع صادر کنندگان جایگاه ویژه‌ای دارد.

اما آیا صنعت بیمه ایران در مقایسه با سایر کشورها، نقش خود را در زمینه تولید حق بیمه که یکی از منابع پس انداز ملی به حساب می‌آید ایفا کرده است؟

در پاسخ به این سؤال که اگر به جایگاه ایران در بین کشورهای دیگر (مطابق جدول شماره ۱) توجه کنیم، در می‌یابیم که دولتی شدن شرکت‌های بیمه (از بعد انقلاب تا کنون)، کاهش شدید کارایی این صنعت را به همراه داشته است. از طرف دیگر با نگرشی استراتژیک (بیان برخی نقاط قوت و ضعف بیمه) و نیز تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از پرسشنامه و بررسی آماری شاخص‌های کارایی صنعت بیمه نیز، می‌توان به واقعیت مذکور دست یافت. همانطور که ملاحظه می‌شود، جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که درصد سهم ایران در بازار جهانی بیمه و رتبه آن در این بازار نسبت به کشورهای چون اندونزی، مالزی، ترکیه و هند پایین است.

با یک نگرش همه جانبه نقاط قوت و ضعف صنعت بیمه را می‌توان چنین برشمرد:

برخی نقاط قوت صنعت بیمه را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

۱. رشد تدریجی نسبت نفوذ بیمه‌ای بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۹ (که البته عمدتاً ناشی از بهبود صادرات نفتی و تأسیس شرکت صادرات و سرمایه‌گذاری بوده است).
۲. تأسیس بیمه صادرات و سرمایه‌گذاری
۳. گسترش شعب و نمایندگی‌های بیمه در سطح کشور و کمک به ایجاد اشتغال
۴. تأسیس کارگزاران رسمی بیمه مرکزی از سال ۱۳۷۱

برخی از نقاط ضعف صنعت بیمه را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

۱. اساساً رقابت عامل مهمی می‌باشد که بیمه‌گذاران بالقوه (و حتی بالفعل) با انگیزه بیشتر برای ارائه خدمات بهتر (چه بعد کمی و چه کیفی) رهنمون می‌کند. در انحصار دولتی، امکان و نیازی برای رقابت و افزایش بهره‌وری شرکت‌های بیمه فراهم نیست.
۲. عدم توسعه فرهنگ بهره‌وری در نگرش مدیران و کارکنان یک مؤسسه بیمه دولتی
۳. نارسایی سیستم فروش حضوری بیمه
۴. ضعف نظارت مطلوب و کافی بر فعالیت‌های بیمه‌گری و ضعف تخصص بیمه‌گران به دلیل فقدان یک سیستم آموزش بیمه‌ای مناسب
۵. بی‌توجهی یا کم‌توجهی به رضایت بیمه‌گذاران و وجود ابهام در قراردادهای بیمه‌ای
۶. فقدان یا عدم کفایت تبلیغات و اطلاع‌رسانی بیمه‌ای
۷. پایین بودن نسبت نفوذ بیمه‌ای و جایگاه پایین ایران در مقایسه با متوسط جهان
۸. مقررات بسیار دست و پاگیر و بوروکراسی شدید اداری که به انحصار و رانت‌طلبی منجر می‌شود.

جدول ۱. آمار مقایسه ای وضعیت بیمه در ایران و چند کشور جهان (۲۰۰۰-۲۰۰۱)

شاخص های توسعه				رشته زندگی				رشته غیر زندگی				کل بازار				کشور	
نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی		حق بیمه سرانه		درصد سهم از		حق بیمه		درصد سهم از		حق بیمه		درصد سهم از		حق بیمه			
رتبه	درصد	رتبه	دلار	جهانی	جهانی	جهانی	جهانی	جهانی	جهانی	جهانی	جهانی	جهانی	جهانی	رتبه در بازار	بازار جهانی		
۳	۱۲.۰۷	۲۱	۱۳۳.۵۱	۷	۲.۵۲	۱۰	۳۳۲۲	۴۴۳۳	۱۰	۱.۵۶	۱.۵۲	۱۵۱۵	۱۵۱۱۲	۷	۲.۲۹	۵۰۵۲۷	۵۸۳۰
۱۲	۸.۹۷	۴	۲۳۶.۶	۱	۳۰.۸۱	۱	۴۷۲۳	۴۳۳۳۸	۱	۴۷.۲۳	۴۰.۸۰	۴۳۳۰۸	۴۳۳۰۸	۱	۳۷.۵۶	۹۰۴۲۰۱	۸۵۹۴۷۶
۵	۱۱.۰۷	۲	۲۹۷.۳	۲	۲۴.۹۸	۲	۴۰۳۳۱	۴۰۹۹۳	۲	۹.۲	۱۱.۱۱	۸۹۱۱۴	۱۰۰۳۷۱۹	۲	۱۸.۵۱	۴۵۵۸۵	۵۰۳۷۱۲
۱۸	۶.۵۹	۱۶	۱۵۸۴.۳	۵	۳.۸۷	۳	۵۵۳۱	۵۲۵۷	۳	۷.۰۲	۷.۲۱	۲۸۰۵۱	۲۸۲۷۴	۴	۵.۱۴	۱۳۳۸۲	۱۳۳۷۰
۵۹	۵۲	۲.۷۱	۲.۳۲	۷۸	۱۱.۵	۳۰	۹۳۱۸	۷۶۱۵	۳۰	۰.۳۵	۰.۲۵	۲۵۹۹	۳۳۵۸	۱۹	۰.۴۹	۱۱۸۷۷	۹۹۷۳
۸۶	۸۳	۰.۲۲	۸.۷	۵۲	۵۱	۵۱	۱۷۴	۱۷۵	۵۵	۰.۰۴	۰.۰۵	۳۸۸	۴۰۷	۵۵	۰.۰۲	۵۶۲	۵۸۱
۷۳	۶۹	۱.۲۷	۱.۵۲	۴۳	۴۲	۵۳	۴۹۳	۵۵۰	۵۳	۰.۰۴	۰.۰۵	۴۱۴	۴۳۰	۴۸	۰.۰۴	۹۰۶	۱۰۲۰
۷۲	۶۸	۱.۴۱	۱.۵۵	۴۵	۴۳	۴۴	۳۷۵	۵۲۲	۴۴	۰.۰۳	۰.۰۳	۳۷۵	۳۳۱۹	۴۱	۰.۰۸	۲۰۳۴	۲۸۵۱
۸۵	۸۲	۰.۳۸	۲.۷	۵۴	۵۲	۵۴	۱۶۸	۱۷۶	۶۸	۰.۰۲	۰.۰۲	۳۱۴	۳۲۵	۶۱	۰.۰۲	۳۸۲	۴۰۱
۲۸	۳۶	۵.۱۸	۲.۷۲	۳۹	۴۱	۳۳	۳۰.۸۲	۳۷.۱	۳۵	۰.۱۷	۰.۱۶	۱۳۶	۱۵۷۸	۳۳	۰.۲	۴۷۱۸	۴۲۹۹
۷۶	۷۳	۱.۳۳	۱.۱۸	۸۵	۸۱	۳۸	۷.۷	۸.۶	۳۸	۰.۰۵	۰.۰۵	۷۷۳	۹۱۹	۴۳	۰.۰۷	۱۲۴۱	۱۷۳۶
۸۸	۸۶	۰.۴۰	۹.۲	۸۳	۸۲	۸۷	۰.۳	۰.۳	۸۷	۰.۰۳	۰.۰۳	۲۲۲	۲۴۶	۷۲	۰.۰۱	۲۸۵	۳۶۰
۸۲	۷۹	۰.۸۲	۱۱.۲	۷۹	۸۴	۶۶	۷.۵	۷.۵	۴۸	۰.۰۷	۰.۰۵	۱۵۳	۴۳۲	۵۰	۰.۰۳	۷۲۵	۵۰۷
۳۰۰۱	۳۰۰۰	۳۰۰۱	۳۰۰۰	۳۰۰۱	۳۰۰۰	۳۰۰۱	۳۰۰۰	۳۰۰۱	۳۰۰۰	۳۰۰۱	۳۰۰۰	۳۰۰۱	۳۰۰۰	۳۰۰۱	۳۰۰۰	۳۰۰۱	۳۰۰۰

ارغام به میلیون دلار

همچنین داده‌های به دست آمده از تحلیل‌های آماری بیانگر کاهش کارایی صنعت بیمه در دوره بعد از انقلاب بوده است.

برای بررسی اثر خصوصی‌سازی بر صنعت بیمه سه فرضیه به شرح ذیل بیان گردید:
فرضیه اول: بخش خصوصی توان و انگیزه لازم را جهت سرمایه‌گذاری در صنعت بیمه، در صورت حمایت دولت خواهد داشت.

فرضیه دوم: خصوصی‌سازی صنعت بیمه، سهم حق بیمه در GDP را افزایش خواهد داد.
فرضیه سوم: خصوصی‌سازی صنعت بیمه، افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال در صنعت بیمه را به همراه خواهد داشت.

برای بررسی و آزمون فرضیه‌های فوق، پرسشنامه‌ای ۳۲ سؤالی تنظیم شد که پس از تست و بررسی ضریب آلفای کرونباخ سؤالات (به طور کلی و نیز مجزا)، در نهایت پرسشنامه‌ای در ۲۶ سؤال تنظیم شد و بین ۱۵۰ نفر از کارشناسان بیمه‌ای (در تهران و مشهد مقدس) و نیز تعدادی از استادان گروه اقتصاد توزیع شد. ۱۳ سؤال اول برای بررسی فرضیه اول و دوم و ۱۳ سؤال بعد برای فرضیه سوم در نظر گرفته شد.

جهت آزمون فرضیه دوم از داده‌های واقعی (۱۰۰ = ۱۳۶۹)، حق بیمه به GDP، میانگین رشد حق بیمه واقعی سرانه و میانگین ضریب خسارت پرداختی طی سال‌های ۱۳۴۳ - ۱۳۵۷ (قبل از دولتی شدن صنعت بیمه) و ۱۳۵۸ - ۱۳۷۲ (بعد از دولتی شدن صنعت بیمه) استفاده شده است به طوری که، میانگین داده‌های مذکور را به کمک آماره t مورد آزمون قرار دادیم. (البته شاخص کارایی میانگین رشد حق بیمه واقعی سرانه و میانگین ضریب خسارت پرداختی واقعی تنها برای تأکید بیشتر بر صحت فرضیه دوم مورد استفاده قرار گرفتند لذا، برای این دو مورد تنها به بررسی مقایسه‌ای میانگین هر یک اکتفا نموده‌ایم.)

همان طور که ذکر شد، برای آزمون فرضیه اول ۱۳ سؤال در پرسشنامه طرح شد که سوالات مذکور ارتباط بین توان لازم در بخش خصوصی را (به عنوان متغیر وابسته) با ارائه تسهیلات مالی، ایجاد سیستم مدیریت ریسک در شرکت‌های بیمه و نیز با گسترش شبکه اطلاع‌رسانی داخلی و خارجی خدمات بیمه‌ای (به عنوان متغیرهای مستقل) بیان کرده است و همچنین برخی دیگر از سوالات اول ارتباط بین انگیزه لازم در بخش

خصوصی را برای خصوصی سازی توسط دولت با تدوین قوانین لازم، جهت سهولت تأسیس و ورود شرکت‌های بیمه خصوصی به بازار بیمه، سهم کردن کارکنان بیمه دولتی در مالکیت بخشی از سهام فروخته شده، تقسیم سود سالانه سهام با نظارت بیمه مرکزی ایران، تضمین و امنیت مالی و سرمایه‌ای شرکت‌های بیمه خارجی در اقتصاد ایران، تدوین قوانین و مقررات لازم، برای اجازه فعالیت به بیمه‌گران خارجی در ایران، تشویق بیمه‌گران خارجی جهت گسترش بیمه اتکایی در ایران بیان می‌دارد.

۱۳ سؤال دوم پرسشنامه، که برای آزمون فرضیه سوم در نظر گرفته شده‌اند ارتباط بین افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت بیمه را (به عنوان متغیر وابسته) با افزایش بازده سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه به علت خصوصی سازی صنعت بیمه، افزایش تحرک سرمایه بخش خصوصی، ترویج فرهنگ خصوصی سازی صنعت بیمه، ایجاد نقش اتکایی برای بیمه مرکزی ایران، افزایش استفاده از سرمایه‌های بالقوه، افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی دولت (به عنوان متغیرهای مستقل برای افزایش سرمایه‌گذاری) مورد آزمون قرار می‌دهند و نیز ارتباط بین افزایش اشتغال در صنعت بیمه را (به عنوان متغیر وابسته دیگر)، با افزایش تخصص و بهره‌وری نیروی کار، استفاده بیشتر از کارکنان مدیران با تجربه و متخصص در خصوصی سازی صنعت بیمه، گسترش فعالیت‌های بازاریابی بر حسب تخصص و شایسته‌سالاری (همگی به سبب خصوصی سازی صنعت بیمه)، مورد آزمون قرار می‌دهند.

پس از محاسبه شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه، مد، فراوانی نسبی و نسبی تجمعی) برای گزینه‌های کاملاً موافق، موافق و نسبتاً موافق، مخالف و کاملاً مخالف و نیز محاسبه ضریب همبستگی رتبه‌ای (اسپیرمن)، که معناداری ارتباط بین متغیرهای وابسته و مستقل را برای ۱۳ سؤال اول و دوم، مورد آزمون قرار می‌دهد از یک طرف و محاسبه آماره تی استیودنت جهت آزمون معناداری اختلاف میانگین سری‌های زمانی مربوط به شاخص‌های کارایی صنعت بیمه (نفوذ بیمه، رشد حق بیمه و ضریب خسارت) قبل و بعد از انقلاب، نتایج چشمگیری حاصل آمد که در قسمت نتایج به طرح آنها می‌پردازیم. برای آزمون فرضیه‌های بالا با استفاده از پرسشنامه‌ها نخست میانگین نفوذ بیمه‌ای دو دوره قبل و پس از انقلاب را با یکدیگر از نظر آماری مقایسه کردیم و در نتیجه:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \mu_1 - \mu_2 = 0 \rightarrow \text{(اختلاف معناداری از نظر آماری بین میانگین نفوذ بیمه ای طی دو دوره وجود ندارد.)} \\ H_1: \mu_1 - \mu_2 \neq 0 \rightarrow \text{(عکس حالت فوق)} \end{array} \right.$$

$$\left\{ \begin{array}{l} \bar{x}_1 = \frac{6.37}{10} = 0.637 \\ n_1 = 10 \\ \bar{x}_2 = \frac{4.61}{10} = 0.461 \\ n_2 = 10 \end{array} \right. \quad \left\{ \begin{array}{l} m_1 + n_2 = 28 = \frac{\bar{x}_1 - \bar{x}_2}{sp \sqrt{\frac{1}{n_1} + \frac{1}{n_2}}} \\ sp = \sqrt{\frac{(n_1 - 1)s_1^2 + (n_2 - 1)s_2^2}{(n_1 + n_2 - 2)}} \Rightarrow \end{array} \right.$$

$$\Rightarrow \left\{ \begin{array}{l} s_1^2 = \frac{\sum (xi - \bar{x}_1)^2}{n_1 - 1} = \frac{0.179}{14} = 0.0127 \\ s_2^2 = \frac{\sum (xi - \bar{x}_2)^2}{n_2 - 1} = \frac{0.168}{14} = 0.012 \end{array} \right. \Rightarrow sp = \sqrt{\frac{14(0.0127) + 14(0.012)}{28}} = 0.11 \Rightarrow$$

$$\Rightarrow \left\{ t_{28} = \frac{0.637 - 0.461}{0.11 \sqrt{\frac{1}{10} + \frac{1}{10}}} = \frac{0.176}{0.04} = 4.4 \right.$$

مقایسه آماره t محاسباتی با مقدار بحرانی آن از جدول نشان می دهد:
اگر $\alpha = 0.05$ باشد آن گاه $2/0.484 = 0.25$ است و از آن جا که $2/0.484 > 2/0.95$ می باشد در سطح معناداری 0.05 فرض H_0 رد می شود و فرض H_1 را با سطح اعتماد 0.95 می پذیریم.

اگر $\alpha = 0.01$ باشد آن گاه $2/0.7633 = 0.005$ است و از آن جا که $2/0.7633 > 2/0.95$ می باشد در سطح معناداری 0.01 فرض H_0 رد می شود و فرض H_1 را با سطح اعتماد 0.99 می پذیریم.

بنابراین با درجه اطمینان 0.99 درصد ثابت می شود که خصوصی سازی صنعت بیمه، نفوذ بیمه ای به قیمت جاری را قبل از انقلاب افزایش داده است. این نتیجه برای ارقام واقعی نفوذ بیمه ای ($100 = 1369$)، نیز قابل تعمیم است زیرا ارقام تقریباً مشابهی برای نسبت واقعی نفوذ بیمه ای در مقایسه با نسبت جاری نفوذ بیمه ای به دست می آیند.

$$\left\{ \begin{array}{l} \bar{x}_1 = \frac{6/37}{10} = 0/420 \\ n_1 = 10 \\ \bar{x}_2 = \frac{4/63}{10} = 0/309 \\ n_2 = 10 \end{array} \right. \quad \left\{ \begin{array}{l} tn_1 + n_2 = 28 = \frac{\bar{x}_1 - \bar{x}_2}{sp \sqrt{\frac{1}{n_1} + \frac{1}{n_2}}} \\ sp = \sqrt{\frac{(n_1 - 1)s_1^2 + (n_2 - 1)s_2^2}{(n_1 + n_2 - 2)}} \Rightarrow \end{array} \right.$$

$$\Rightarrow \left\{ \begin{array}{l} s_1^2 = \frac{\sum (xi - \bar{x}_1)^2}{n_1 - 1} = \frac{0/168}{14} = 0/012 \\ s_2^2 = \frac{\sum (xi - \bar{x}_2)^2}{n_2 - 1} = \frac{0/168}{14} = 0/012 \end{array} \right. \Rightarrow sp = \sqrt{\frac{14(0/012) + 14(0/012)}{28}} = 0/11 \Rightarrow$$

$$\Rightarrow \left\{ \begin{array}{l} t_{28} = \frac{0/420 - 0/309}{0/11 \sqrt{\frac{1}{10} + \frac{1}{10}}} = \frac{0/111}{0/04} = 2/9 \Rightarrow \begin{cases} H_0: \mu_1 - \mu_2 = \\ H_1: \mu_1 - \mu_2 \neq \end{cases} \end{array} \right.$$

اگر $\alpha = 0/05$ باشد آن گاه $2/0484 = 2/025 = 28$ است و از آن جا که $2/90 > 2/0484$ می باشد، با احتمال $0/95$ درصد فرضیه H_0 را می پذیریم.

اگر $\alpha = 0/01$ باشد آن گاه $2/7633 = 2/005 = 28$ است و از آن جا که $2/90 > 2/7633$ می باشد، با احتمال $0/99$ درصد فرضیه H_0 را می پذیریم.

بنابراین ثابت می شود که خصوصی بودن صنعت بیمه با سطح اطمینان $0/99$ درصد، در قبل از انقلاب به افزایش نفوذ بیمه ای (کارایی صنعت بیمه)، به قیمت واقعی منجر شده است. ($1369 = 100$)

بررسی میانگین حق بیمه سرانه واقعی

در این قسمت میانگین رشد حق بیمه سرانه واقعی را برای دو دوره مذکور مقایسه می نمایم. ($1369 = 100$) البته شایان ذکر است که برای محاسبه میانگین رشد یک متغیر معمولاً از میانگین هندسی استفاده می شود.

$$GM_1 = \frac{\text{میانگین هندسی رشد حق بیمه واقعی سرانه برای مرحله اول}}{\text{میانگین هندسی رشد حق بیمه واقعی سرانه برای مرحله اول}} = \sqrt[10]{\frac{1167}{9} \times \frac{12774}{1167} \times \dots \times \frac{49667}{55221}} \Rightarrow$$

$$GM_1 = \sqrt[10]{\frac{49667}{10979}} = 1/114 \Rightarrow 1/114 - 1 = 0/114 \Rightarrow \text{(به طور متوسط در دوره اول تقریباً ۱۱/۵ درصد رشد داشتیم)}$$

$$GM_2 = \frac{\text{میانگین هندسی رشد حق بیمه واقعی برای مرحله دوم}}{\text{میانگین هندسی رشد حق بیمه واقعی برای مرحله دوم}} = \sqrt[10]{\frac{2945}{2982/2} \times \frac{22177}{2945} \times \dots \times \frac{31467}{25673}} \Rightarrow$$

$$GM_2 = \sqrt[10]{\frac{31467}{2982/2}} = 1/004 \Rightarrow 1/004 - 1 = 0/004 \Rightarrow \text{(به طور متوسط، در دوره اول ۰/۰۰۴ درصد رشد داشتیم)}$$

(میانگین رشد حق بیمه سرانه واقعی)
 $\Rightarrow GM_1 > GM_2 \Rightarrow$ در دوره اول ۱۱/۲ درصد بیشتر از دوره دوم است.
 (این نتیجه افزایش کلرایی صنعت بیمه را در دوره اول تایید می کند)

بررسی ضریب خسارت

ضریب خسارت که از تقسیم خسارت بر حق بیمه (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹)، به دست می آید، یکی دیگر از معیارهای سنجش کارایی صنعت بیمه است که معمولاً به عنوان کارایی فنی از آن نام می برند. این ضریب بیان می دارد که مثلاً در یک سال مشخص چند درصد خسارت از محل حق بیمه ها پرداخت شده است. لذا، افزایش این ضریب به نوعی، کارایی بیشتر صنعت بیمه را نشان می دهد.

مقایسه نتایج به کارایی بیشتر در دوره اول (۱۳۴۳-۱۳۵۷) رهنمون کرده است.

$$\bar{X}_1 = \frac{\text{میانگین ضریب خسارت برای دوره اول}}{\text{میانگین ضریب خسارت برای دوره اول}} = \frac{611/09}{10} = 40/77 \Rightarrow \bar{X}_1 = 40/77 > \bar{X}_2 = 38/26 \Rightarrow$$

$$\bar{X}_2 = \frac{\text{میانگین ضریب خسارت برای دوره دوم}}{\text{میانگین ضریب خسارت برای دوره دوم}} = \frac{573/80}{10} = 38/26$$

(میانگین ضریب خسارت واقعی (۱۰۰-۱۳۶۹)، در دوره اول به اندازه ۲/۵۱ درصد بیشتر از میانگین آن در دوره دوم است. لذا، کلرایی فنی در دوره اول بیشتر از دوره دوم است.)

- لذا، فرضیه دوم مبنی بر اینکه؛ «خصوصی سازی صنعت بیمه، سهم حق بیمه را در تولید ناخالص داخلی (GDP)، افزایش می دهد.» به اثبات می رسد.

تجربه برخی کشورها در زمینه خصوصی سازی صنعت بیمه

شیلی^(۱): در کشور شیلی اصلاحات جامع مالی بین سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۹ انجام گرفت و انضباط مالی و مدیریت کارآمد تورم ۷۰۰ درصدی را در سال ۱۹۷۳ به ۱۰ درصد در سال ۱۹۸۰ رساند. این امر زمینه های لازم را برای سرمایه گذاری های بلندمدت فراهم کرد. لذا، دولت شیلی در سال ۱۹۸۰ میلادی یک برنامه آزادسازی جامع و خصوصی سازی بازار بیمه را در پیش گرفت. هدف اساسی این برنامه، تحرک بخشیدن به صنعت بیمه این کشور بود. بعد از برنامه آزادسازی و خصوصی سازی بیمه، بیمه گران در تعیین تعرفه ها و انعقاد قراردادها با بیمه گران داخلی یا خارجی به آزادی نسبی بالایی دست یافتند، و از طرفی بیمه گران خارجی بدون هیچ محدودیت خاصی به فعالیت پرداختند.

هندوستان^(۲): کشور هند، چند دوره را در زمینه فعالیت بخش خصوصی در بیمه سپری کرده است. قبل از سال ۱۹۶۵ بیمه های زندگی و تا سال ۱۹۷۶ بیمه عمومی را بخش خصوصی خارجی و داخلی اداره می کردند. از آن به بعد صنعت بیمه در هند ملی شد و مجدداً از سال ۱۹۹۱ برنامه آزادسازی و خصوصی سازی بیمه در هند آغاز شد. قدم نخست، تشکیل ستادی برای وضع مقررات بیمه بود تا راه های تشویق و رشد صنعت بیمه، ورود بخش خصوصی به این صنعت و اعمال کنترل مؤثر بر بیمه را برای حمایت از بیمه گذاران و بیمه گران، عمدتاً از طریق اعطای امتیاز شرکت های بیمه دنبال شد. بدین معنا که در کنار واگذاری سهام، هدف عمده دولت، تشویق سرمایه گذاری های جدید و ایجاد شرکت های جدید خصوصی در صنعت بیمه بوده است. از طرفی، از سال ۱۹۹۸ به بعد دولت به خارجیان اجازه داده است تا ۲۶ درصد سهام شرکت های هندی را داشته باشند. لذا، علاوه بر بخش خصوصی داخلی، امکان حضور خارجیان نیز در این صنعت فراهم شد.

۱. خصوصی سازی، تجربه ها و ضرورت ها؛ گزارش یک سمینار، مجله تدبیر، شماره ۳۲، خرداد ۱۳۷۲، ص ۱۲.

۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه پژوهش های اقتصادی، خصوصی سازی شماره ۱۶، تهران

پاکستان^(۱): هنگامی که دولت پاکستان اجازه فعالیت بیمه‌ای به بخش خصوصی داد و مجوز سرمایه‌گذاری خارجی نیز صادر کرد دو شرکت خارجی یعنی شرکت بیمه عمر امریکا (ALICO) و شرکت بیمه اتحادیه بازرگانی، فعالیت‌های خود را ۵۱ درصد سهام برای شرکای خارجی و ۴۹ درصد برای شرکای داخلی آغاز کردند. البته، علاوه بر دو شرکت امریکایی فوق، شش شرکت دیگر، شامل: دو شرکت انگلیسی و چهار شرکت امریکایی نیز، قبلاً در بیمه‌های عمومی فعال بوده‌اند. در حال حاضر فعالیت بیمه‌ای در پاکستان متعلق به هر دو بخش دولتی و خصوصی (داخلی و خارجی) است. امروزه بیش از ۵۰ شرکت بیمه پاکستانی و ۱۲ شرکت بیمه خارجی که در ۶ گروه کار می‌کنند و فعالیت‌های بیمه‌ای پاکستان را انجام می‌دهند. علاوه بر اینها ۳ شرکت دولتی هم وجود دارند. لازم به ذکر است که ساختار بیمه پاکستان از دو بخش بیمه عمومی و عمر تشکیل شده است که بیمه عمومی در برگیرنده دو بخش خصوصی و دولتی است و بیمه عمر نیز تماماً متعلق به دولت می‌باشد و اداره آن نیز بانظارت دولت صورت می‌گیرد که آن نیز شامل دو شرکت دولتی عمر و بیمه عمر پستی است.

یکی از عمده‌ترین آثار خصوصی سازی صنعت بیمه در پاکستان، افزایش گرایش به فعالیت در رشته بیمه‌های غیر زندگی (عمومی) است. در پایان ماه ژوئن ۱۹۹۱ (۱۳۷۰/۴/۱۰)، ۲۸ بیمه‌گر بیمه‌های غیر زندگی، در بورس سهام کراچی (KSE)^(۲) حضور داشته‌اند و جمع کل سرمایه‌های پرداخت شده آنها به ۴۹۳ میلیون روپیه بالغ شده است. این واقعیات بیانگر این مطلب است که فعالیت‌های بیمه‌ای در پاکستان، به ویژه در شرایط خصوصی شده، نقش بسیار مهمی را در اقتصاد این کشور بازی کرده است. از طرف دیگر، شرکت اتحادیه بازرگانی برای حفظ منافع بیمه‌گذاران در مقابل نرخ بالای تورم بیمه‌نامه‌های جدید را در ارتباط با شاخص قیمت‌ها (متناسب با تورم) عرضه کرده است که این امر به گران شدن حق بیمه‌های عمر منجر شده و مشکلاتی برای شرکت‌های بیمه عمر ایجاد کرده است. البته، شایان ذکر است که علاوه بر کشورهای مذکور، تجربه خصوصی سازی صنعت بیمه در کشورهای دیگر چون،

۱. عادل، محمود؛ مترجم، تاثیر خصوصی سازی بر صنعت بیمه پاکستان، فصلنامه صنعت بیمه، سال هشتم،

سریلانکا و برزیل و نیز کشورهای توسعه یافته‌ای چون انگلستان، امریکا و ژاپن بسیار موفق بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله با توجه به مباحث ارائه شده و تجزیه و تحلیل کمی داده‌های حاصل از پرسشنامه به کمک نرم افزار spss نتایج ذیل بدست آمد:

۱. فعالیت طولانی مدت در بازاری خالی از رقابت، چنین القا می‌کند که صرفاً مالکیت دولتی به تنهایی مشکل را حل نخواهد کرد بلکه، در مورد نحوه ارائه خدمات، نگرش به مشتریان، فرایندهای کاری، تنوع و گسترش خدمات بیمه‌ای، باید نمونه جایگزین شود لذا، خصوصی سازی صنعت بیمه بنا به دلایلی مذکور این امکان را فراهم می‌آورد.

۲. در اجرای برنامه خصوصی سازی حداکثر نمودن در آمد، نباید به عنوان هدف اصلی برای دولت مطرح شود. بلکه حذف انحصارها برای ایجاد و تشویق رقابت باید از اولویت بالاتری نسبت به افزایش در آمد برخوردار باشد، زیرا تاکید اصلی بر ایفای نقش حمایتی و نظارتی دولت است نه کسب سود.

۳. از پیش فرض‌های خصوصی سازی، فرایند آزادسازی از طریق مقررات‌زدایی (تعدیل مقررات) و فرایند آماده‌سازی شرکت‌های بیمه (اصلاح ساختار مالی شرکت‌ها) است. لذا، حذف مقررات موجود، ارائه تسهیلات مالی، تدوین مقررات لازم برای تشکیل شرکت‌های بیمه خصوصی داخلی و سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی خارجی، گسترش فرهنگ خصوصی سازی در جامعه و ارائه کمک‌های فنی، تخصصی، بازاریابی و اطلاع رسانی (داخلی و بین‌المللی) توسط دولت (بیمه مرکزی ایران)، می‌تواند به عنوان اقدامات حمایتی و نظارتی مؤثر، در قالب فرایند آزادسازی و آماده‌سازی شرکت‌های بیمه برای خصوصی سازی صنعت بیمه کشور باشد.

۴. یکی از ضروریات اجرای طرح واگذاری، تغییر در مالکیت است که برای بهبود کارایی صورت می‌پذیرد، اما این تغییر در مالکیت در مورد صنعت بیمه باید در قالب شرکت سهامی عام باشد. دلیل این تغییر مالکیت، همان ناکارآمدی مالکیت دولتی است و از طرف دیگر از آن جا که تشکیل یک شرکت سهامی عام در ایران راحت‌تر از شرکت‌های سهامی خاص و تضامنی صورت می‌پذیرد، این مورد پیشنهاد می‌شود.

۵. یکی از ضروریات اجرای خصوصی سازی صنعت بیمه، انجام این فرایند به صورت

- تدریجی است. لذا تغییر در مالکیت به طور کامل و ناگهانی (یکباره) امکان پذیر نمی باشد. بلکه، می توان به صورت مرحله ای و به تدریج این انتقال را انجام داد.
۶. با توجه به تجربه کشورها در امر خصوصی سازی بیمه (از جمله پاکستان)، بهتر است که در اجرای این طرح، شرکت های بیمه خصوصی، صدور بیمه نامه های غیرزندگی را در اولویت قرار دهند، زیرا، با توجه به حق بیمه ای سبک تر برای آنها (نسبت به بیمه های زندگی)، از تقاضای بیشتر و در عین حال از تنوع بیشتری نیز برخوردارند.
۷. مدیریت خصوصی سازی اهمیت ویژه ای دارد. از آنجا که همواره میان سرعت کار و شفافیت رابطه متقابل وجود دارد، بدیهی است که مدیریت مناسب و نظارت دقیق بر مبادلات به کمک ایجاد سیستم مدیریت ریسک در شرکت های بیمه خصوصی (برای کنترل ریسک های فنی و سرمایه گذاری)، به کمک متخصصان و کارشناسان بیمه ای، علاوه بر نقش نظارتی خود، در افزایش توان رقابتی و ریسک پذیری شرکت های خصوصی بیمه می تواند تأثیر بسزایی داشته باشد.
۸. بیش از $\frac{2}{3}$ پاسخ دهندگان (نفر $n = 150$ از کل حجم نمونه گیری شده) در مجموع، با تأثیر مثبت اقدامات حمایتی دولت (بیمه مرکزی ایران) برای ایجاد توان و انگیزه لازم در بخش خصوصی جهت خصوصی سازی صنعت بیمه موافق بوده اند. این نتیجه، به کمک محاسبات کامپیوتری ضریب همبستگی رتبه ای (اسپیرمن)، وجود ارتباط مستقیم بین وابسته و مستقل مربوط به فرضیه اول (۱۳ سؤال اول) را به اثبات رسانده است.
۹. بیش از $\frac{2}{3}$ پاسخ دهندگان در مجموع با تأثیر مثبت خصوصی سازی صنعت بیمه بر افزایش سرمایه گذاری و اشتغال در صنعت بیمه، موافق بوده اند. این نتیجه، به کمک محاسبه شاخص های مرکزی و ضریب همبستگی رتبه ای برای متغیرهای وابسته و مستقل مربوط به فرضیه سوم (۱۳ سؤال دوم) به اثبات رسیده است.
۱۰. با توجه به آزمون و اثبات فرضیه دوم، به کمک آماره نتیجه می شود که خصوصی سازی صنعت بیمه به افزایش سهم حق بیمه ها در GDP (نفوذ بیمه ای)، منجر خواهد شد. این نتیجه در پی آزمون موارد زیر حاصل شد:
- الف) میانگین نسبت حق بیمه واقعی به GDP واقعی در دوره اول (۱۳۴۳-۱۳۷۵)، به قیمت ثابت ۱۳۶۹، بیشتر از دوره دوم (۱۳۷۲-۱۳۸۵) بوده است.
- ب) میانگین رشد حق بیمه های واقعی سرانه ($100 = 1369$)، در دوره اول بیشتر از دوره دوم بوده است.

ج) میانگین ضریب خسارت پرداختی واقعی ($100 = 1369$)، در دوره اول بیشتر از دوره دوم بوده است.

د) افزایش نسبت حق بیمه‌ها به GDP از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹ نه به علت افزایش کارایی شرکت‌های بیمه دولتی، بلکه عمدتاً به دلیل افزایش حق بیمه‌ها و از محل تأسیس شرکت بیمه صادرات و سرمایه‌گذاری (که در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد) و نیز بهبود وضعیت درآمدی دولت به ویژه در سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ (به دلیل افزایش درآمدهای نفتی و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی بوده است).

با توجه به بخش قبل نتیجه گرفتیم که فرضیه دوم مبنی بر اثر مثبت خصوصی سازی بر افزایش سهم حق بیمه در تولید ناخالص داخلی به اثبات می‌رسد.

بر اساس مباحث مطرح شده و اثبات فواید خصوصی سازی در این قسمت مدل پیشنهادی محقق برای خصوصی سازی تدریجی صنعت بیمه در ایران طرح می‌شود که شامل ۳ مرحله ذیل می‌باشد:

مرحله اول: فرایند آزادسازی و آماده‌سازی شرکت‌های بیمه‌ای (نقش حمایتی و نظارتی دولت یا بیمه مرکزی ایران) شامل:

۱. اصلاح اصول ۲۹-۴۴ و ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر موانع مقرراتی (مقررات زدایی)

۲. حداقل کردن موانع سیاسی (انحصارها، رانت طلبی و بوروکراسی شدید اداری) و موانع اجرایی

۳. اصلاح ساختار مالی شرکت‌های بیمه به علت اقدامات حمایتی و نظارتی دولت (بیمه مرکزی ایران) از قبیل ارائه تسهیلات مالی، ایجاد سیستم مدیریت ریسک، ارتقای سطح تخصص کارکنان و مدیران بیمه‌ای، ارائه کمک‌های فنی تخصصی به شرکت‌های خصوصی، تدوین مقررات لازم برای حضور و سرمایه‌گذاری صنعت بیمه، ارائه خدمات اطلاع‌رسانی داخلی و بین‌المللی به بیمه‌گران و بیمه‌گذاران، تضمین و امنیت سرمایه‌ای بیمه‌گران داخلی و به ویژه خارجی و تشویق بیمه‌گران خارجی به گسترش خدمات بیمه اتکایی در ایران.

مرحله دوم: فروش سهام همراه با تکمیل نقش نظارتی دولت (بیمه مرکزی ایران) شامل:

۱. فروش حداقل ۵۰ درصد سهام شرکت‌های بیمه‌ای به عموم مردم (سرمایه‌گذاران عمده بخش خصوصی داخلی)

۲. فروش ۱۰ درصد سهام به کارکنان و مدیران شرکت های بیمه ای برای جلوگیری از بیکاری و پیامدهای منفی احتمالی خصوصی سازی صنعت بیمه
 ۳. فروش ۱۰ درصد سهام به سرمایه گذاران خارجی (بخش خصوصی خارجی) در ابتدای حضور بخش خصوصی خارجی
 ۴. در اختیار گرفتن ۲۰ درصد سهام توسط بیمه مرکزی ایران برای ایفای نقش اتکایی و نظارتی
 ۵. نظارت دقیق و کارشناسانه بیمه مرکزی ایران در مراحل فروش و تقسیم سود سهام به بخش خصوصی داخلی و خارجی برای حمایت از منافع سهامداران و تسهیل در امر فروش سهام جهت تشویق رقابت.
 ۶. نظارت بیمه مرکزی ایران بر ساختار مالی شرکت های بیمه برای کنترل ریسک سرمایه گذاری و افزایش توان رقابتی شرکت های بیمه ای داخلی در مقابل شرکت های بیمه خارجی
- در صورت انجام مراحل بالا نتایج زیر از خصوصی سازی حاصل می شود:
- ۱) افزایش شاخص های کارایی شرکت های بیمه خصوصی
 - ۲) ایجاد و گسترش رقابت
 - ۳) افزایش کیفیت و تنوع خدمات بیمه ای
 - ۴) افزایش سرمایه گذاری در صنعت بیمه و بازده آن توسط بخش خصوصی
 - ۵) افزایش اشتغال در صنعت بیمه (البته به صورت تدریجی و براساس تخصص و شایسته سالاری)
 - ۶) کاهش انحصارها و رانت طلبی و بوروکراسی شدید اداری.
 - ۷) بهره گیری از مدیریت و کارکنان بیمه ای متخصص و کارآمد که به سهم خود افزایش بهره وری را به همراه خواهد داشت.
 - ۸) دستیابی به بازار سرمایه و بورس با کارایی بهتر و بیشتر و گسترش فرهنگ مالکیت سهام در ایران
 - ۹) گسترش فعالیت های بیمه ای و فعالیت های بازاریابی خدمات بیمه ای (داخلی و بین المللی)

- ۱۰) کاهش تصدی دولت در صنعت بیمه و توجه بیشتر به امور زیربنایی و توسعه‌ای (توجه بیشتر به وظایف متعارف خود)
- ۱۱) کسب تجربه خصوصی سازی در یک مقوله بسیار مهم و استفاده از آن برای خصوصی سازی آتی سایر بخش‌های اقتصادی

منابع

۱. آقاسی، سعید (۱۳۷۶)، بررسی عوامل مؤثر بر رشد و توسعه صنعت بیمه در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد دهاقان.
۲. اکبرزاده، رضا؛ «خصوصی سازی صنعت بیمه؛ فرصت‌ها و تهدیدها»، فصلنامه صنعت بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۷۹، صص ۱۱۵ - ۱۳۰ (با تلخیص)
۳. الماسی، مجتبی؛ «خصوصی سازی صنعت بیمه: اهداف، مشکلات و اولویت‌ها»، تازه‌های اقتصاد، ش ۹۰، صص ۷۵ - ۷۸ (با تلخیص).
۴. امیراصلانی، اسدالله؛ فصلنامه صنعت بیمه، سال پانزدهم، ش ۶۰، زمستان ۱۳۷۹، صص ۳۷ - ۴۵ (با تلخیص).
۵. امامی، ارسطو؛ «سیاست آزادسازی اقتصاد در ایران»، مجله تدبیر، ش ۳۴، مرداد ۱۳۷۲، ص ۵۱ (با تلخیص).
۶. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸)، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، خصوصی سازی، اداره بررسی‌های اقتصادی، ش ۱۶، تهران، صص ۱۲ - ۵۵.
۷. بیمه مرکزی ایران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های بیمه‌ای (۱۳۷۰)، تحولات بیمه‌های بازرگانی در ایران از آغاز تا سال ۱۳۷۰.
۸. جهانگرد، اسفندیار (۱۳۷۶)، نقش صنعت بیمه در ایجاد امنیت اقتصادی، مقاله ۱۴، اولین همایش علمی تهیه و تدوین جدول‌های داده - ستانده.
۹. حبیبی، علی؛ مترجم، «استفاده از تغییرات بزرگ»، تازه‌های جهان بیمه، ش ۳۸، مرداد ۱۳۸۰، صص ۱۲۵ - ۱۲۸ (با تلخیص).
۱۰. حسنی، محمد؛ «اصلاحات اقتصادی (تعریفی مجدد از نقش دولت در اقتصاد)»، تازه‌های اقتصاد، ش ۹۳، مهر ۱۳۷۹، صص ۷۵ - ۷۹ (با تلخیص).

۱۱. «خصوصی‌سازی، تجربه‌ها و ضرورت‌ها»؛ گزارش یک سمینار، مجله تدبیر، ش ۳۲، خرداد ۱۳۷۲، ص ۱۲.
۱۲. دقیقی اصلی، علیرضا؛ «یک مدل پیشنهادی برای آزادسازی و خصوصی‌سازی صنعت بیمه»، فصلنامه صنعت بیمه، سال پانزدهم شماره ۵۰، پاییز ۱۳۷۹، صص ۷-۵۷ (با تلخیص)
۱۳. شاکرین، مهدی؛ «نقش بیمه در بازار سرمایه و تضمین امنیت سرمایه ملی»، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۳۵، ۱۳۷۳، صص ۸۰-۹۱ (با تلخیص).
۱۴. صالحی، رضا (۱۳۷۵)، تأثیر سیاست‌های خصوصی‌سازی شرکت بیمه بر عملکرد صنعت بیمه کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت بازرگانی، گرایش بیمه دانشگاه تهران.
۱۵. عادل، محمود؛ مترجم، «تأثیر خصوصی‌سازی بر صنعت بیمه پاکستان»، فصلنامه صنعت بیمه، سال هشتم، ش سوم، صص ۴۹-۵۲.
۱۶. کریمی، آیت؛ «تمهیدات لازم برای حضور موفق بخش خصوصی در بازار بیمه»، فصلنامه صنعت بیمه آسیا، ش ۱۹، تابستان ۱۳۸۰.
۱۷. گروه پژوهشی سازمان ملل متحد (۱۳۷۴)، جنبه‌های کاربردی خصوصی‌سازی، ترجمه رضا پاکدامن، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ج ۱.
۱۸. متوسلی، محمود (۱۳۷۳)، خصوصی‌سازی یا ترکیب بهینه یا مطلوب دولت و بازار، تهران، مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ج ۱.
۱۹. مظلومی، نادر؛ «ملاحظات استراتژیک درباره صنعت بیمه کشور»، فصلنامه صنعت بیمه، سال پانزدهم، ش ۵۸، تابستان ۱۳۷۹، صص ۴۱-۵۲ (با تلخیص).
۲۰. نادران، الیاس و نصیری‌اقدم، علی، «تأثیر خصوصی‌سازی و آزادسازی صنعت بیمه بر کارایی صنعت بیمه و شرکت‌های فعال در آن»، فصلنامه صنعت بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۷۹، صص ۵۷-۷۲ (با تلخیص).
21. Aroberts, Lucy; (Oct. 2001), privatizing pensions in the united states: shifting sands for policy markets?, from jurnal of "the geneva papers on risk and Insurance, vol. 29, no 4, pp 575-586.

22. kay, j. a and thompson, S.j (March 1986), " privatization: a policy in search of a rationale". the economic, no 95.
23. Liberalization and privatization of Indusurance insustry (PART1); from jyrnal of "iran Insurance market reoport", spring 2001, pp (12-18).
24. Mahmood zarrabi; (Spring 2001), iran Insurance company as market leader, from journal of "Iran Insurance report", pp 14-16.
25. ostazewski, krzysztof (Nov. 2001), privatization opportunity beckcons, journal of the review, no. 10, pp 20, 21.



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی